

بررسی جرم همسرآزاری در حقوق کیفری ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر

حسام عباسی^۱، بیتا بهرامی^۲

^۱دانشگاه آزاد اسلامی واحد سیرجان، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، سیرجان

^۲دانشگاه علامه طباطبائی، کارشناس ارشد حقوق ارتباطات

نویسنده مسئول:

حسام عباسی

چکیده

همسر آزاری پدیده ای است که از زمان های گذشته در جوامع مختلف وجود داشته است. آزار روانی، جسمی، مالی و جنسی از جمله خشونت هایی است که مردان علیه زنان انجام می دهند. خشونت علیه زنان پدیده شایع و تأسف باری است که ابعاد گسترده آن، زمینه آسیب های فردی و اجتماعی متعدد را نسبت به آنها، خانواده و جامعه فراهم می آورد. خشونت علیه زنان دارای سابقه ای به وسعت تاریخ بوده و در دهه های اخیر به شکل خشونت مدرن، اشکال نوینی به خود یافته است و با وجود تلاشهای بین المللی حقوقدانان، کارشناسان و کنشگران اجتماعی و حقوق بشری برای رفع هر گونه خشونت نسبت به آنها سونامی خشونت علیه زنان، کماکان جاری و روزافزون بوده و هزینه های متعددی را بر جامعه بشری و ملی دولتها وارد می سازد. در این نوشتار ضمن بررسی مفهوم همسر آزاری، به تحلیل حقوقی این مسئله از نظر قانون ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر خواهیم پرداخت.

کلمات کلیدی: همسر آزاری، خشونت، ایران، حقوق بشر.

مقدمه

خشونت علیه زنان از منزل و خیابان تا کوچه و بیابان، به اشکال مختلف توهین و هتک حرمت، ختنه دختران و زنان، ازدواج زود هنگام آنها، استثمار عاطفی و جنسی در منازل و محافل کار و خارج از آن، طلاق قهری، تبعیض جنسیتی و نگاه های سنگین مردانه، آزار جنسی و تن فروشی پیدا و پنهان، ایراد صدمات عمدی بدنی و حیثیتی، اخراج از منزل و ممانعت از تحصیل و کار، وضعیت زنان بی سرپرست و بد سرپرست، ممانعت از ملاقات فرزند و سلب حضانت فرزندان از مادران، تضییع حقوق اساسی و شهروندی آنها، تضییع حقوق زناشویی، خانوادگی و فرصت های شغلی و حرفه ای، بن بست در طلاق نسبت به زنان و اجبار عینی و عملی آنها به مهرم حلال، جانم آزاد، برای رهایی از تقید زوجیت و زناشویی متلاطم خویش در طی سالهای متعدد برای تعیین تکلیف وضعیت حقوقی و قانونی خود و تبعیض و تفکیک جنسیتی، به انحاء مختلف دیگر و درجات متفاوت در جامعه بطور نسبی و فزاینده، حسب مورد، وجود داشته و محصور به قتل علیه زنان در کشور، در معنای خاص آن نمی باشد.

باید توجه داشت که خشونت علیه زنان و به صورت خاص (همسران) به چند نوع مختلف می باشد. خشونت فیزیکی و بدنی، مانند صدمه زدن به وسایل منزل و ضرب و شتم همسر، خشونت روانی و کلامی مانند تحقیر شخصیت، چهره و یا شرایط جسمانی زن، ابراز تنفر نسبت به بستگان وی و همچنین خشونت اجتماعی شامل منع اشتغال و تحصیل، ممنوعیت ارتباط با بستگان حتی به صورت تلفنی، خشونت اقتصادی مانند نپرداختن خرجی و در نهایت صدمات و آزارهای جنسی از طریق تحمیل نسبت به همسر و در معرض فحشا و فساد قرار دادن وی به خاطر اعتیاد، مهمترین و شایع ترین انواع همسر آزاری مردان نسبت به زنان است.

با توجه به آنچه که بصورت مختصر بیان شد، در این پژوهش ضمن مفهوم شناسی پدیده همسر آزاری، به اهمیت و قوانین مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر پرداخته می شود.

۱- مفهوم شناسی پدیده همسر آزاری

خشونت و اعمال آن از معضلات رو به رشد در تمامی جوامع است. این پدیده اشکال گوناگونی دارد و مردان و زنان تمامی گروههای سنی تحت تاثیر آن قرار می گیرند. خشونت خانوادگی^۱ به نحوه پرخشگری اشاره دارد که در روابط زوجین رخ می دهد. خشونت خانوادگی گاهی اوقات تحت عنوان همسر آزاری^۲، خشونت زناشویی^۳، زن آزاری^۴، شریک آزاری^۵ و عبارات دیگر توصیف شده است.

یکی از بهترین تعاریف خشونت خانوادگی یا همسر آزاری را Perin و Miller, Barnett در سال ۱۹۹۷ ارائه داده اند. آنها به طور کلی همسر آزاری را الگویی از رفتارهای تهاجمی و اجباری شامل حملات فیزیکی، جنسی، روانی و همچنین فشار و تهدید اقتصادی که افراد علیه شریک صمیمی شان^۶ به کار می برند تعریف کرده اند. سازمان جهانی بهداشت نیز خشونت علیه زنان را از اولویت های بهداشتی شمرده است که عوارض قابل توجهی را در سلامت جسمی و روانی زنان ایجاد می کند.

بر اساس تحقیقات پزشکی قانونی، همسر آزاری در تمامی طبقات اجتماعی از فقیرترین تا غنی ترین و حتی خانواده های تحصیل کرده اتفاق می افتد و محدود به قشر خاصی نیست. همسر آزاری به شکل های مختلف در جوامع بروز می کند و در هر خانواده ای با هر شرایط و موقعیت اجتماعی ممکن است نمونه ای از همسر آزاری وجود داشته باشد. همسر به زن و شوهر گفته می شود و آزار نیز به معنی معکوس کردن بایدها و نبایدهاست. بنابراین در تعریف همسر آزاری می توان گفت معکوس کردن بایدها و نبایدها برای زن یا شوهر همسر آزاری محسوب می شود. همسر آزاری را می توان به ۴ گروه همسر آزاری روانی، مالی، جنسی و جسمی تقسیم کرد. برآورده نشدن هر یک از نیازها در زمینه های مالی، روانی و جنسی می تواند یکی از انواع همسر آزاری را به دنبال داشته باشد.

فقر، اعتیاد، بی دقتی در انتخاب همسر، تفاوت های فرهنگی، رشد اجتماعی زنان و عدم باور مردان، مرد یا زن سالاری، نقش رسانه ها در ارائه چهره ای نادرست از زنان و ازدواج های قبل از رشادت از جمله عوامل زمینه ساز همسر آزاری است. در صورتی که مرد قادر به تامین نیازهای مادی همسر و خانواده اش نباشد، ممکن است تبعات آن به صورت همسر آزاری بروز کند و مرد از شرایط عادی خارج شود. از سویی اعتیاد نیز به دلیل بالا بردن هزینه خانواده و ایجاد علائم افسردگی در فرد، زمینه ساز همسر آزاری است.

1- Family Violence

2- Spousal Abuse

3- Marital Violence

4- Conjugal Violence

5- Partner Abuse

6- intimate Partner

۲- اعلامیه حذف خشونت علیه زنان

با توجه به اهمیت خشونت علیه زنان در جهان، مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز چند قطعنامه در جهت مقابله با این مسئله و ایجاد امنیت و احترام به حقوق زنان تصویب نمود.

قطعنامه ۴۸/۱۰۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوبه ۲۳ فوریه ۱۹۹۴ با آگاهی به نیاز فوری به اینکه حقوق و اصول مربوط به برابری، امنیت، آزادی، تمامیت، و وقار همه انسانها به طور جهانشمول در باره زنان اعمال شود، با توجه به اینکه این حقوق و اصول در اسناد بین المللی محترم شمرده شده، از جمله در «اعلامیه جهانی حقوق بشر»، «میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی»، «میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی»، «کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان»، و «کنوانسیون ضد شکنجه و رفتار یا مجازات خشن، غیر انسانی یا تحقیر کننده» با آگاهی به اینکه اجرای موثر «کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» به حذف خشونت علیه زنان کمک می کند و «اعلامیه حذف خشونت علیه زنان»، چنانچه در قطعنامه حاضر ارائه می شود، این روند را تقویت و تکمیل خواهد نمود، با نگرانی از اینکه خشونت علیه زنان مانعی در راه دستیابی به برابری، پیشرفت و صلح است، چنانچه در «استراتژی های آینده نگر کنفرانس ناپروبی برای پیشرفت زنان» مشخص شده، که در آن لوایحی برای مقابله با خشونت علیه زنان پیشنهاد شده بود، و به منظور اجرای کامل «کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان»، با تاکید بر اینکه خشونت علیه زنان، مبنایی بر نقض حقوق بشر و آزادی های اساسی زنان است و برخورداری زنان را از این حقوق و آزادی ها بطور ناقص یا کامل نفی می کند، و با نگرانی درباره عدم موفقیت درازمدت در حمایت و ارتقاء این حقوق و آزادی ها در موارد خشونت علیه زنان، با آگاهی بر اینکه خشونت علیه زنان نمایشی از نابرابری تاریخی روابط قدرت میان زنان و مردان است، که به تحت سلطه کشیدن و تبعیض علیه زنان توسط مردان و پیشگیری از پیشرفت کامل زنان انجامیده و اینکه خشونت علیه زنان یکی از مکانیزم های مهم اجتماعی است که زنان را به موقعیت های فرودست در مقایسه با مردان مجبور میکند، با نگرانی از اینکه برخی گروه های زنان، از جمله زنان متعلق به گروه های اقلیت، زنان بومی، زنان پناهنده، زنان مهاجر، زنانی که در مناطق روستایی یا دورافتاده زندگی می کنند، زنان بینوا، زنان زندانی یا در حبس، دختر بچه ها، زنان معلول و ناتوان، زنان کهنسال و زنان در مناطق جنگی، بطور ویژه در مقابل خشونت آسیب پذیر هستند، با یادآوری نتیجه پاراگراف ۲۳ پیوست قطعنامه شورای اجتماعی ۱۹۹۰/۱۵ به تاریخ ۲۴ مه ۱۹۹۰ و تشخیص این که خشونت علیه زنان در خانواده و جامعه فراگیر بوده و از مرزهای درآمد، طبقه و فرهنگ می گذرد، باید با اقدامات فوری و موثر برای محو این واقعه همراه باشد، همچنین با یادآوری قطعنامه شورای اقتصادی و اجتماعی ۱۹۹۱/۱۸ به تاریخ ۳۰ مه ۱۹۹۱، که در آن شورا پیشنهاد پیشبرد امر تدوین یک سند بین المللی را که بطور صریح مسئله خشونت علیه زنان را مورد توجه قرار دهد، با اسقبال از نقشی که جنبش های زنان در جلب توجه روزافزون به ماهیت، جدی بودن، و ابعاد مسئله خشونت علیه زنان ایفا می کنند، با احساس مخاطره از این که فرصت های زنان برای دستیابی به برابری حقوقی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در جامعه، به دلایلی از جمله خشونت فراگیر و مداوم، محدود هستند، با اعتقاد به اینکه با توجه به نکات ذکر شده در بالا نیاز برای تعریف جامع و روشن خشونت علیه زنان، یک بیانییه روشن از حقوقی که باید اعمال شوند که حذف خشونت علیه زنان در همه اشکال آن تضمین شود، یک تعهد توسط دولت ها در احترام به مسئولیت های آنان، و یک تعهد توسط تمامی جامعه بین المللی به حذف خشونت علیه زنان، رسماً اعلامیه حذف خشونت علیه زنان را در زیر اعلان می دارد و اصرار دارد که هر گونه تلاشی برای شناختن و محترم شمردن آن توسط عموم، به عمل آید.

۳- جایگاه زنان بزه دیده در نظام قضایی - تقنینی ایران

۳-۱- نظام قضایی

طبق بند «د» ماده ۱۳۰ فصل یازده برنامه توسعه چهارم (۱۳۸۳) قوه قضائیه موظف بوده است لایحه حمایت از بزه دیدگان اجتماعی را تهیه و به تصویب برساند. در توجیه این لایحه آمده است: هنگام وقوع بزه و جرم، فرد، افراد یا یک ساختار اجتماعی مورد تظلم واقع شده و نهادهای دولتی و حاکمیتی باید افزون بر تحلیل علمی بزه کاری و مجرمیت، مجرم یا بزه کار را شناسایی کرده و با وی برخورد قانونی کنند. اقدام مهم دیگر در این خصوص حمایت از بزه دیدگان است. بزه دیده در شرایط مختلفی قرار می گیرد: در یک حالت، تا شناسایی مجرم و بزه کاری، هیچ گونه حمایتی از او صورت نمی گیرد و پیامد این بزه کاری می تواند آسیب های جدی اجتماعی و اقتصادی به او وارد سازد. در حالت دیگر، در صورت شناسایی مجرم یا بزه کار، رسیدگی و تحلیل پرونده مدت ها طول کشیده و بزه دیده همچنان با مشکلات درگیر می شود و در حالت سوم و اعمال محکومیت مجرم، در بیشتر موارد، جبران خسارت بزه دیده به شکل مطلوب انجام نمی شود. اگر چه برهه ای از خسارت ها از نظر ماهوی جبران ناپذیراند مانند آسیب های جسمانی منجر به ناتوانی یا معلولیت و آسیب های روانی و حیثیتی در این موارد نیز باید اقدام جدی و قانونمند برای حمایت از بزه دیده انجام داد.

در واقع بسیاری از این تبعیض ها و ستم ها را باید نشأت گرفته از مناسبات ستم آلود میان زن و مرد دانست و تا این مناسبات ستم آلود، دگرگونی نیابند، تحقق برابری واقعی زنان و مردان، آرزویی بیش نخواهد بود. بنابراین، برابری قانونی به تنهایی نمی تواند تمام یا حتی بیشتر نابرابریها را از بین ببرد و «باید ضمن آن که از طریق تثبیت چارچوبهای حقوقی بین المللی به برابری قانونی دست می یابیم، در کنار آن از طریق بالا بردن سطح آگاهیهای عمومی در جهت حصول تساوی جنسی و از طریق تغییر سنن و الگوهای رفتاری دیرینه که موجب ادامه تبعیض علیه زنان می باشد، به تساوی واقعی نیز رسید» (The Quest for Women's Rights United Nations Focus, July 1991-5, p.1).

به عبارت دیگر، یکی از چالش های رودرروی زنان این است که بسیاری از الگوهای رفتاری و فرهنگی و اجتماعی و هم چنین سنتها و عرفهای جوامع، عملاً آن ها را از بسیاری از امتیازات بی بهره می سازد و مانع از مشارکت واقعی آنان در زندگی عمومی شده و بالمآل تبعیض در عمل و واقع را نسبت به آنان در پی دارد که باید با اتخاذ تدابیری خاص در جهت مقابله با این نوع از تبعیض ها گام برداشت و در امحا و ریشه کنی آن ها کوشید.

۲-۳- نظام قانونی

اقدام قانون گذار ایران در جلوگیری از عسر و حرج زن در محیط خانواده و کاهش آسیب های روانی بر وی در مواد ۶۴۲ و ۶۴۵ ق.م.ا. قابل تقدیر است. در ماده ۶۴۲ عدم پرداخت نفقه زن توسط مرد را وصف کیفری بخشیده و در ماده ۶۴۵ نیز در جهت حفظ امنیت و آسایش زن و رفع عسر و حرج از وی در اثبات رابطه زوجیت، مردی را که بدون ثبت در دفاتر اسناد رسمی مبادرت به ازدواج دائم، طلاق و رجوع نماید به مجازات حبس تعزیری تا یک سال محکوم کرده است، نکته قابل توجه در این ماده عدم مجازات زن است. اگرچه عقد ازدواج با قصد و رضای زوجین واقع می گردد؛ اما قانون گذار در این ماده صرفاً برای زوج که مبادرت به ازدواج بدون ثبت آن در دفاتر رسمی نموده است، مجازات قرار داده و این امر نشانگر توجه مقنن به جایگاه ضعیف اراده زن در تکوین زندگی زناشویی است. در خصوص استنکاف زوج از پرداخت نفقه نیز اگرچه به این الزام در ماده ۱۱۰۶ ق.م.ا. اشاره شده است، اما اعطای وصف کیفری به عمل تارک انفاق در ماده ۶۴۲ ق.م.ا. موجب سرعت بخشیدن به احقاق حق زوجه در مطالبه نفقه حال است.

از مصادیق قابل ستایش دیگر عملکرد قانون گذار در توجه به جنسیت بزه دیده، تدوین ماده ۶۱۹ ق.م.ا. و اعطای وصف کیفری به توهین کنندگان و مزاحمان اطفال و زنان در انظار است. مطابق این ماده هرکس در اماکن عمومی یا معابر، متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین نماید؛ به حبس از دو تا شش ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد. این ماده از چند جهت قابل توجه است. از یک طرف عمل مزاحمت در معابر و خیابان ها را که نسبت به مردان فاقد جنبه کیفری بود، نسبت به زن قابل مجازات دانسته است. ذکر عنوان «مزاحمت» بی هیچ قید و شرطی سبب می شود هر عملی که در نظر عرف موجب به زحمت انداختن دیگری شود در حیطه ماده ۶۱۹ ق.م.ا. قرار می گیرد و از سوی دیگر اهانت به زن در معابر و خیابان ها مستوجب مجازات شدیدتری نسبت به توهین ساده دانسته شده است. مهم ترین نکته در ماده ۶۱۹ ق.م.ا. اعطای جنبه عمومی به عمل مرتکب و غیرقابل گذشت بودن جرم است. از نظر مقنن تعرض به اطفال و زنان در انظار عمومی آنچنان زشت است که حتی گذشت شاکی خصوصی نیز نمی تواند مجرم را از تعقیب و مجازات معاف سازد. البته عدم توجه به رابطه و قربابت بزه کار و بزه دیده در ماده ۶۱۹ ق.م.ا. از نقایص این ماده است.

در نقد گام های قانون گذار ایران از منع خشونت های روانی علیه تمامیت معنوی زنان در محیط خانواده، باید به ضعیف بودن این گام ها اعتراف نمود. از یک سو عدم توجه به سوء رفتار علیه زن در محیط خانواده که با محدود کردن حقوق اجتماعی زن از جمله حق اشتغال، تحصیل، فعالیت اجتماعی و حقوق انسانی وی صورت می گیرد و از سوی دیگر بیان کلی بایدها و نبایدها از حقوق و تکالیف زوجین که تصویری غلط در ذهن عوام ایجاد می نماید، از نقایص کار قانون گذار است. از آنجا که قضات شریف نیز در عرف عام غوطه ورنده این تصور دور از واقعیت گاه به عرف خاص قضات و رویه قضایی وارد می شود. به عنوان مثال حکم مندرج در ماده ۱۱۰۵ ق.م.ا. و اعطای حق ریاست خانواده به شوهر، این تصور غلط را در اذهان ایجاد می کند که کلیه فعالیت های زن حتی دیدار وی با والدین باید با اجازه شوهر باشد. همچنین ماده ۱۱۱۷ ق.م.ا. در خصوص حق شوهر بر منع زن از حرفه و صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات زن یا شوهر باشد به طور عام، بدینگونه که حق اشتغال زن منوط بر اجازه مرد می باشد، تفسیر شده است. چنین برداشتی از مواد فوق ناشی از باور غلطی است که عرف از «خدای دوم بودن شوهر» دارد و حیطه این خدایی را صرفاً در حقوق زوج و نه تکالیف وی تفسیر موسع می نماید. (قضاوت، ۶۹)

به علاوه جرم همسر آزاری به طور مستقل در قوانین جزایی ایران پیش بینی نشده است البته طرح هایی برای تصویب این عنوان مجرمانه مستقل وجود دارد ولی در حال حاضر اعمالی که می تواند مصداق همسر آزاری قرار گیرد طبق قواعد عمومی جزایی مورد قضاوت قرار می گیرند.

۴- ابتکارات جدید ایران در حمایت از زنان خشونت دیده

الف - شورای عالی توسعه قضائی با هدف اصلاح قوانین مربوط به حوزه زنان در کمیته «حمایت از بزه‌دیدگان» به شناسایی مشکلات زنان بزه‌دیده، بویژه بزه دیدگان جرایم جنسی در فرایند کیفری و تهیه و تدوین قانون حمایت از بزه دیدگان (که در آن حمایت از زنان بزه‌دیده به عنوان یک گروه از بزه دیدگان خاص مورد توجه قرار گرفته است) می‌پردازد. به علاوه کمیته «پیشگیری از جرم» هم در حال تهیه و تدوین برنامه‌های پیشگیری از جرم است که یکی از بحث‌های مهم آن پیشگیری از جرایم علیه اطفال و زنان و برنامه‌هایی در جهت افزایش آگاهی‌های زنان نسبت به اتخاذ تدابیر پیشگیرنده از جرم و بزه دیدگی است.

ب - طرح ایجاد خانه‌های امن، طرحی است که در بسیاری از کشورهای دنیا با پشتوانه تحقیقی - پژوهشی به اجرا در آمده و تاکنون به بسیاری از مشکلات پاسخ داده و حتی در امر پیشگیری درگیری‌های خانگی نیز موفق بوده است. به طور قطع مردی که مجبور به یافتن پاسخ به هیچ سوالی برای کتک زدن همسرش از سوی قانون و عرف نیست و زن نیز جایی غیر خانه او، برای پناه بردن ندارد، الزامی برای کنترل و مهار خشم خود ندیده و با ایجاد کوچک‌ترین نارضایتی و مسئله‌ای اقدام به پرخاشگری و اعمال خشونت خواهد کرد.

ج - در سال‌های اخیر معمولاً بزه‌دیده‌گانی که سابقاً از جرایم آسیب دیده‌اند، نهادهایی مدنی (N.G.O) را با هدف امداد رسانی رایگان به قربانیان جرایم خشونت‌بار تأسیس کرده‌اند، مانند انجمن حمایت از کودکان، انجمن حمایت از زنان قربانی خشونت، انجمن مبارزه با اعتیاد یا حمایت از معتادان. در این نهادها سعی می‌شود با گفتار درمانی و روان درمانی قربانیان را مرمت روحی کنند و به تدریج از آلام ایشان بکاهند. گاه حتی زمینه ملاقات بزه‌دیده با بزه‌کار را فراهم می‌کنند تا در این دیدار با عذرخواهی بزه‌کار بخشی از پشیمانی‌های بزه‌دیده تشریف یابد، یا اینکه بزه‌کار بتواند کاری برای بزه‌دیده انجام دهد. همانطور که ملاحظه می‌کنید این دسته از اقدامات در بزه‌دیده‌شناسی قابل اعمال در چهارچوب آیین دادرسی کیفری نیست. بلکه در روابط با خسارات عاطفی، نهادهای مردمی و جامعه مدنی به کمک دستگاه قضایی می‌شتابند. در آیین‌نامه اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در هر حوزه قضایی واحدهای معاضدت قضایی نقش ترمیم خسارات عاطفی را بر عهده دارند بنابر دستور رئیس قوه قضائیه دفاتری برای حمایت از اطفال و زنان بزه‌دیده با حضور مددکاران اجتماعی تشکیل شده است. همچنین در سال‌های اخیر در کلانتری‌ها واحدهای ارشاد و مددکاری تأسیس شده است و پس از طرح شکایت افسر قضایی پرونده را جهت صلح به این واحدهای می‌فرستد تا سعی شود قضیه با مصالحه ختم شود.

نتیجه گیری

از آن جا که ناآگاهی همه انسان‌ها، به ویژه زنان از این حقوق آن‌ها را از برخورداری کامل از آن حقوق باز می‌دارد، لذا آگاه سازی عموم، سواد آموزی حقوقی و ارتقای فرهنگ حقوق بشر، توسعه و صلح از طریق هماهنگی و همکاری با گروه‌های محلی و منطقه ای و سازمان‌های غیر دولتی و نیز رسانه‌ها در سراسر جهان برای اجرای برنامه‌هایی در زمینه آموزش حقوق بشر می‌توانند مؤثر باشند. همچنین در دین مبین اسلام توجه ویژه‌ای به جایگاه زنان شده است و بر طبق آن نیز قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر مبانی اسلامی حقوق زنان در جامعه و خانواده را مورد توجه قرار داده است. در این میان خشونت علیه زنان از جمله مسائلی است که در تمام جوامع فراگیر می‌باشد. خشونت‌های جنسی، جسمی و... باعث شده تا محیط امن خانه برای همسران نا امن شود. اما شناخت زنان از حقوق خود و قوانینی که به نفع آنها در جهت ایجاد امنیت، آزادی نگاشته شده سبب خواهد شد تا از میزان خشونت علیه زنان نیز کاسته شود. از سویی در فضای جامعه غربی نیز پدیده همسر آزاری گسترش یافته و اعلامیه جهانی حقوق بشر در مواردی بر حفظ حقوق زنان در جهت جلوگیری از همسر آزاری تأکید کرده است. اما آنچه که در میان این قوانین مهم جلوه می‌کند، میزان ظرفیت جوامع در اجرای آنها می‌باشد و باید ضمانت اجرایی در جوامع بالاخص با توجه به اعلامیه جهانی حقوق بشر وجود داشته باشد. اگرچه در سال‌های اخیر، با افزایش تعداد تشکل‌های مدافع حقوق زنان و حمایت دولت از رشد این تشکل‌ها، صدهای بسیاری در حمایت از حذف خشونت علیه زنان بلند شده است، اما هنوز قوانین حمایت کننده از زنان کافی نیست و زنان نیز بنابر سنت اجتماعی، در موارد بسیاری ترجیح می‌دهند بنابر مصلحت یا حفظ آبرو، خشونت‌ها علیه خویش را پنهان سازند. آیا راه حلی وجود دارد؟ بازنگری قوانین کشورها، یکی از اولین راهکارها برای حذف خشونت علیه زنان تلقی می‌شود. به اعتقاد نهادهای مدافع حقوق زنان، نقاط ضعف قانونی باید آشکار و رفع شود. دولتها تشویق و ترغیب شوند تا قوانین را رعایت کنند و قوانین نامناسب را عوض کنند. در سطوحی پایین تر نیز باید با کمک به رشد نهادها و تشکل‌های غیردولتی زنان، به مهار اجتماعی خشونت علیه زنان مبادرت ورزید. با همکاری و توسط این تشکلهای، زنان باید بیشتر به حقوق خود در برابر خشونت آگاه شوند. با این وجود، حضور و نقش مردان در حذف خشونت علیه زنان، اساسی و ضروری است و بدون جلب همکاری مردان، حذف خشونت ممکن نیست. مردان هم باید وادار شوند که سکوت خود را بشکنند و وارد این وادی شوند.

منابع و مراجع

- ۱- اعزازی، شهلا، خشونت خانوادگی یا زنان کتک خورده، تهران، نشر سالی، ۱۳۸۰.
- ۲- آقابیکلویی، عباس؛ آقاجانی، کامران، بررسی پدیده همسر آزاری در شهر تهران، اولین همایش ملی آسیب های اجتماعی در ایران، جلد سوم، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۹.
- ۳- آیت اللهی، زهرا، نگاه تطبیقی به موضوع خشونت علیه زنان، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۱۳، ۱۳۸۸.
- ۴- بلدسو، بوسچک، فرهنگ حقوق بین المللی، ترجمه: بهمن آقایی، تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۵.
- ۵- قاسمی روشن، ابراهیم، همسر آزاری؛ رفتار شناسی آزار علیه شوهر، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۲۰.
- ۶- حواجی، احمد، مقاله حقوق بشر در اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر در سایت www.daneshju.ir/Forum.
- ۷- جوانمرد بهروز، خشونت علیه زنان و انواع آن در پرتو گفتمان حقوق کیفری ایران در حمایت از زنان بزه دیده، نشریه قضاوت، شماره ۶۹، ۱۳۹۰.
- ۸- قانون مجازات اسلامی: ماده ۲۵۸ ق.م.ا/۷ - ماده ۲۷۳ ق.م.ا همچنین ر.ک. به رای وحدت رویه شماره ۶۸۳ مورخ ۸۴/۱۰/۱۳ دیوان عالی کشور درخصوص میزان ارش زن مسلمان/ ماده ۲۰۹ ق.م.ا.
- ۹- ناصرزاده، هوشنگ، اعلامیه های حقوق بشر، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲.
- 10- Broude, G. J. & Greene, S. J. (6666). Cross-cultural codes on Husband –wife relationship. *Ethnology*, vol 66.
- 11- The Quest for Womens Rights United Nations Focus, (Department Of public Information (Dpi)/1144, julu 1991-5.
- 12- Seltzer, J. A.; Kalmuss, Debra (6666). "Socialization and Stress Explanations for Spouse Abuse". *Social Forces*, 16 (6).